

بحران عمیق‌تر از آن است که می‌پندارد

با آن مواجه هستیم وریشه بسیاری از بحران - های دیگر است، بحران مشروعيت یا به تعبیر دقیق تر دراین‌جا بحران اعتباراست." این بحران خود را در قالب های چگونگی نگرش اعتماد به مسئولان، شکاف حقوقی یعنی میزان عدم پذیرش قوانین، امکان دسترسی عادلانه به قدرت و پست های حکومتی، مسئله‌عدالت، آزادی و ... نشان می‌دهد. " و با ذکر آمارهای از منابع دولتی به اثبات آنها می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که محوری ترین علت این بحران را می‌توان چنین توضیح داد "هنگامی که به هر نحو ممکن گردش نخبگان درقدرت متوقف شود و کاست قدرت، محدود به جمعیتی در حدود ۲۰۰۰ نفر گردد که عموماً هم سوابق دوستی و خانوادگی داشته باشند" نتیجه‌ای جز شکاف مزبور حاصل نخواهد شد.

صفحه ۳

مقاومت کارگران قرقه زیبا در برابر سرمایه داران و دولت آنها ۷

اعتراف‌گیری اسلامی

مرتعجان تازه به قدرت رسیده باهدایت و رهبری یک مشت‌آخوند به سرکردگی روح الله خمینی گام به گام به دست آوردهای قیام توده‌ای بورش آورده‌ند و آنها را یکی پس از دیگری بازپس گرفتند و گویی ددمتشی و پاشتنی را از رژیم سرنگون شده ربودند. هر کس اندک بوبی از انسانیت برده باشد با نگاهی به ۷۲۹ ماده قانون مجازات اسلامی، بهویژه موادی که مربوط به سنگسار

صفحه ۸

هنگامی که توده های مردم ایران با یک اعتصاب عمومی سیاسی و سرانجام یک قیام مسلحانه رژیم سلطنتی را از ایران جاروب کردند، کمتر کسی تصویری کرد که در اندک مدتی دوباره بساط شکنجه و حبس و اعدام فعالان سیاسی برپا شود. اما مشکلات انقلاب ۱۳۵۷ و به قدرت رسیدن یک رژیم سرمایه داری دینی که به جای شاه (ظل الله یاسایه خدا) ولی فقیه (نماینده خود خدا) را قرار داد، به همراه خود قطایری از قوانین متاخر و ارجاعی رانیز به دنبال می‌کشید.

دراین شماره |

بیانیه پایانی نشست مشورتی

۵

اخباری از ایران

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

بیانیه جرج دبلیو بوش، زمینه‌ها و تاثیرها

الف: زمینه‌ها

بیانیه اواخر زوئن بوش در مورد ایران، به رغم آنکه کوتاه و مختصر بود، اما بازتاب بسیار وسیعی پیدا کرد و اثرات مهمی بر اوضاع و گرایش‌های سیاسی بر جای گذاشت. تا جایی که به جمهوری اسلامی و جناح بنده های آن مربوط می‌شود، این بیانیه تشدید تضادها و اختلافات را در پی‌داشت و بحران سیاسی را وخیم تر ساخت.

در بیانیه جانب دارانه افای بوش، آشکارا از "اصلاح طلبان" و برنامه‌های سیاسی و اقتصادی آنان دفاع و ازفشارها و محدودیت - هائی که نسبت به هواران آنها اعمال می‌شود، انتقاد شده است. در این بیانیه همچنین از "نامنتخبین" که فرمان گوش نداده واقعی ایرانند و به صدای مردم گوش نداده و سیاست های ویران گرایانهای را در پیش گرفته اند، انتقاد شده و عوام فریبانه از "مردم ایران" اسم برده شده است که "برسر آینده ایران تصمیم خواهند گرفت!" صرف نظر از پز دروغین و مزورانه "مردم" گرایی در این بیانیه، موضوعی کدر مضمون پیام رئیس جمهور آمریکانهفته است- هرچند که این هنوز موضوع رسمی دولت آمریکا نیست- باموضع قبلی دولت آمریکادرمورد ایران، یعنی دکترین "محورشراست" تا حدود زیادی متفاوت است.

این تفاوت و تغییر، ولو آنکه یک تفاوت و تغییر استراتژیک نیست و صرفابایستی آن را تاکتیک مشخص برای رسیدن به همان اهداف استراتژیک قبلی آمریکا تلقی نمود، معهذا، بی زمینه نبود. آمریکا مدت‌ها تلاش نمود تا از طریق اعمال دکترین "محورشراست" جمهوری اسلامی را از سیاست‌ها و شعارهای ضد آمریکایی اش منصرف سازد تا با رفع تنشجات فیمابین، مناسبات دوچندۀ رچارچوب متعارف مورد نظر آن برقرار گردد. سوای مسائل دیگر، برای آمریکا این موضوع بسیار مهم بوده است که جمهوری اسلامی سیاست‌های خود را در مورد مسائل خاور میانه به ویژه مسئله فلسطین تغیردهد و آن را تعديل کند. اما این تلاشها، اساساً از سوی جناحی که قدرت واقعی را در حکومت در دست دارد و آقای بوش در بیانیه خود از آنان با عنوان "نامنتخبین" نام برده است، خنثی شد و بی توجه ماند. دولت آمریکا از یک سو می‌دید که هرگونه پیشرفتی در زمینه ایجاد رابطه

صفحه ۲

تلویزیون به نمایش درآمد. اعتراضات دوم خردادیها هنوز به جایی نرسیده است. نامه شماری از نمایندگان مجلس به کروی در اعتراض به صدور بیانیه سپاه پاسداران و سپس فراغوانده شدن وزیر دفاع به مجلس نیزنتیجه‌ی نداد بماند که وزیر مربوطه نیز از سپاه پاسداران و بیانیه‌ان دفاع کرد. در حالی که جناح خامنه‌ای جبهه‌dom خرداد را عامل دخالت آمریکا می‌خواند و اقدامات و سیاست‌های آن را 'تحریک‌آمریکا' جهت حمله نظامی به ایران می‌داند، نیروهای این جبهه نیز سیاست‌های جناح خامنه‌ای را علت دخالت آمریکا در ایران و وادار کردن آن به حمله نظامی به ایران ارزیابی می‌کند. بهر رو این تکثرون ش است که بعد از صدور بیانیه بیش، اختلافات و تضادهای درونی رژیم شدت یافته و بحران سیاسی بیش از پیش تشید گشته است.

بیانیه بیش نه فقط تاثیر تشید کننده مستقیمی بر اختلافات و تضادهای حکومتی گذاشت و بحران سیاسی را حادتر نمود؛ بلکه این بیانیه از جهت تاثیرگذاری روی مواضع و نحوه برخورد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی نیز، به زیان جمهوری اسلامی رقم خورد. بالرال این بیانیه رئیس جمهور آمریکا در عمل به مواضع اتحادیه اروپا در قبال ایران نزدیک شد، در عین حال اتحادیه اروپا نیز در انطباق با این موضع - گیری و در چارچوب منافع خود جمهوری اسلامی راحت فشارخواهد گذاشت. خاور میانه این مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که به دعوت وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز هفتم مرداد به ایران سفر کرده بود، با برخی از سران رژیم از جمله خاتمی، رفسنجانی و پاره ای از نمایندگان مجلس دیدارداشت و در این زمینه‌گفتگو پرداخت. پس از اتمام این گفتگوها، نامبرده با صدور بیانیه ای از اوضاع اصلاحات در ایران با صفت "وحیم" یاد کرد. وی عنوان نمود که توافق ایران با اتحادیه اروپا صرفاً جنبه اقتصادی و تجاری ندارد بلکه موضوعات سیاسی از جمله "حقوق بشر" و مسئله "جنگ علیه تروریزم" نیز باید در توافقات دو جانبی لحاظ شوند. و این دو جنبه را تفکیک ناپذیر خواند. خاور میانه همچنین از ضرورت همکاری ایران برای پیش بردن مذاکرات صلح خاور میانه سخن گفت و آن را مقدمه ضروری جهت گسترش روابط تجاری خواند و سرانجام وی خاطر نشان ساخت که اتحادیه اروپا هنوز اختلافات عمده ای با ایران برسر حمایت از گروههای مسلح فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی دارد. این موضع گیری بالنسبه صریح مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، با واکنش تندی از سوی روزنامه‌های وابسته به جناح خامنه‌ای

صفحه ۵

ازصفحة ۱ بیانیه حرج دبلیو بوش،

زمینه‌ها و تاثیرها

- های مکرر مبنی بر این که جامعه درآستانه انفعال قرار گرفته است را که حتی از سوی دست اندکاران رژیم هم بر زبان رانده می‌شود، نشینیده باشد. آمریکا نمی‌توانست و نمی‌تواند ناظراً تحول و دگرگونی بنیادی به زیان خود و سایر مترجمین باشد و لاجرم می‌باشد، قبل از وقوع، به زعم خود به علاج واقع بنشیند. دکترین "محور شرارت" پاسخگوی این شرایط نبود. دولت آمریکا باید به روشی می‌دید و می‌بیند که در ایران نمی‌تواند به فرض مثل عربستان سعودی رفتارکند و به جناح‌های فوق ارتقای دل ببند و به سرکار آوردن چنین رژیم‌هایی امیدوار باشد، چرا که شرایط در اینجا بهکلی متفاوت است و به دلائل عدیده، از جمله مبارزاتی مردم ایران، رشد درجه آگاهی و سطح خواستها و مطالبات توده مردم به ویژه کارگران، بریک چنین تاکتیکی از پیش مهر شکست زده شده است. براین پایه است که می‌بینیم کوششهای مخفیانه فسنجانی- خامنه‌ای برای به دست گرفتن ابتکار عمل در زمینه ایجاد رابطه با آمریکا و برقراری تماس با دیپلمات‌های آمریکایی در قبرس به جائی نمی‌رسد و مورد استقبال آمریکا قرار نمی‌گیرد. دولت آمریکا در عین حال این را هم خوب می‌داند که شرایط ایران نه مثل عراق - یکی دیگر از محورهای "شرارت" - است که هم اکنون سناپیوهای کوناکون پنتاکون و سازمان سپا، اعم از کودتا تا حمله غافل- گیرانه و لشکر کشی نظامی، تمام پیرامون سرنگونی رژیم دور می‌زند، و نه مانند افغانستان است که در یک چشم بهم زدن و با تراشیدن یک حامد کرزای ایرانی، بتوان اوضاع را فیصله داد.

مسئله مهم و مهم ترین موضوع این است که جامعه ایران، سخت در تب و تاب و ناآرام است. بحران سیاسی و اقتصادی بسیار حاد و تشید شده است. دامنه نارضایتی توده‌ای از وضعیت موجود، وسعت و شدت بی‌سابقه‌ای گرفته است. شورش‌های شهری اعتراضات توده‌ای و در راس هم‌اعتراضات و اعتصابات کارگری رو به افزایش است. در چشم انداز تحولات آتی، گسترش این اعتراضات، اعتصاب سراسری، خیزش و قیام توده ای دیده می‌شود. تحولاتی که در جریان آن، با کلیت نظام حاکم تعیین تکلیف می‌شود. نتیجه چنین مصافتاریخی و پراهمیتی که بی‌تردید تمام منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، آقای سیامک پورزنده علیه مطبوعات که نه فقط به دادگاه احضار شدند. فشار علیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بهانه سخنرانی آغازگری تشید گردید. اعترافات سیامک پورزنده علیه مطبوعات که نه فقط مردم آن را باور نکرده و به باد استهزا گرفتند، بلکه حتی دوم خردادیها نیز آن را به " برنامه هویت " و ماجرای سعید امامی، تشبيه نمودند، به منظور تشید فشار و گسترش فضای ارعاب و خفقات در جامعه، از باشد اگراین مسئله را نفهمیده و یا هشدار

و سازش‌ها و توافقات با جمهوری اسلامی درگرو آن است که جناح قدرتمند حکومتی با آن توافق داشته باشد و این، آمریکا را راتر غیب می‌کرد به این که خود را بیان نزدیک - تر کند، اما از سوی دیگر این را نیز می‌فهمید که این‌ها، منفورترین جریان حکومتی در نزد توده مردم هستند ولذا در طولانی مدت، نه شانسی برای آنان می‌دید و نهشانس موفقیتی برای این سیاست خود. نه این که آقای بوش و یا دولت آمریکا دلش به حال مردم ایران سوخته و یا منافع آنان را در نظر گرفته باشد، آمریکا به روشی می‌دید و می‌بیند

که در ایران نمی‌تواند به فرض مثل عربستان سعودی رفتارکند و به جناح‌های فوق ارتقای دل ببند و به سرکار آوردن چنین رژیم‌هایی امیدوار باشد، چرا که شرایط در اینجا بهکلی متفاوت است و به دلائل عدیده، از جمله مبارزاتی مردم ایران، رشد درجه آگاهی و سطح خواستها و مطالبات توده مردم به ویژه کارگران، بریک چنین تاکتیکی از پیش مهر شکست زده شده است. براین پایه است که می‌بینیم کوششهای مخفیانه فسنجانی- خامنه‌ای برای گرفتن ابتکار عمل در زمینه ایجاد رابطه با آمریکا و برقراری تماس با دیپلمات‌های آمریکایی در قبرس به جائی نمی‌رسد و مورد استقبال آمریکا قرار نمی‌گیرد. دولت آمریکا در عین حال این را هم خوب می‌داند که شرایط ایران نه مثل عراق - یکی دیگر از محورهای "شرارت" - است که هم اکنون سناپیوهای کوناکون پنتاکون و سازمان سپا، اعم از کودتا تا حمله غافل- گیرانه و لشکر کشی نظامی، تمام پیرامون سرنگونی رژیم دور می‌زند، و نه مانند افغانستان است که در یک چشم بهم زدن و با تراشیدن یک حامد کرزای ایرانی، بتوان اوضاع را فیصله داد.

ب: تاثیرها

بیانیه بیش مستقیماً روی وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی تاثیر گذاشت و بحران سیاسی را تشید نمود. رفسنجانی و به ویژه خامنه‌ای با لحن تندی این بیانیه را مداخله در امور ایران دانسته و تظاهرات خیابانی علیه بیش و آمریکا راه انداختند. درحالی‌که برخی افراد و جریان‌های متشكل در جبهه دوم خرداد بالاتر ایام سختان استقبال نمودند، اکثر آن سکوت‌معنی داری اختیار کردند و شخص خاتمی رهبر "اصلاح طلبان" با خامنه‌ای هم‌صدأ شد و مورد تمجید، در جبهه دوم خرداد، ایام ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۹۷، ایام اصلح طلبان" با اقدامات تفرقه افکنانه و حرکت‌های مشکوک خود، آمریکا را به مداخله در امور ایران تحریک می‌کنند، طیف جبهه دوم خرداد را مورد حمله قرار داد. سپاه پاسداران که زیرفرماندهی مستقیم خامنه‌ای است، با انتشار بیانیه ای به "اصلاح طلبان" و روزنامه‌ها هشدار داد. دادگاه‌های جمهوری اسلامی احکام محاکومیت بالتبه سنگینی برای شماری از نیروهای موسوم به ملی - مذهبی صادرکردند. "نهضت آزادی" غیرقانونی اعلام گردید و دستگاه قضائی شمار دیگری از این نیروها را به دادگاه احضار نمود. چند روزنامه توقيف و شماری از روزنامه نگاران به دادگاه احضار شدند. فشار علیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بهانه سخنرانی آغازگری تشید گردید. اعترافات سیامک پورزنده علیه مطبوعات که نه فقط مردم آن را باور نکرده و به استهزا گرفتند، بلکه حتی دوم خردادیها نیز آن را به " برنامه هویت " و ماجرای سعید امامی، تشبيه نمودند، به منظور تشید فشار و گسترش فضای ارعاب و خفقات در جامعه، از باشد اگراین مسئله را نفهمیده و یا هشدار

بحران عمیق‌تر از آن است که می‌پندارد

انجامید. از آنجایی که این تضاد ها نتوانستند در جریان انقلاب حل شوند و با شکست انقلاب و سلطه ارتیاج اسلامی تشید هم شدند، لذا طبیعی بود که دوباره سر برآورند و خود را به شکل یک بحران مجدد بروزدهند. این بحران از اوایل دهه هفتاد دوباره پیدا شد و امروز تا بدان حد تمام ارکان نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود را فراگرفته است که بهمنه محوری بیانیه بخشی از حاکمیت تبدیل شده است. این بحران، که تمام تلاش‌های رژیم و جناح‌های آن برای کنترل و مهارش با شکست روبرو شده است، نه با چکا و اصلاح نظم موجود حل شدنی است و نه با سرکوب و قهر. حل این بحران مقدم بر هر چیز درهم شکستن تمام روابنای سیاسی موجود را می‌طلبد که راه را بر هر گونه تحولی سد کرده است. روابنای سیاسی موجود در ایران ازدواجت به مانع تبدیل شده و تضادهای لایحلی را پدید آورده است. جامعه ایران سرمایه داری است و مناسبات تولید بورژوازی مسلط اند، اما روابنای سیاسی که پاسدار این مناسبات است، آغشته به موسسات و نهادهای قرون وسطایی است. دولت مذهبی خود یک تضاد مجسم است. این دولت معجون سرهم بندی شده ای از موسسات و نهادهای بورژوازی و قرون وسطایی است. دولت مذهبی تنها مردم ایران را از حقوق و آزادیهای سیاسی محروم نکرده است، تنها به اختناق و سرکوب متول نشده است، بلکه مردم را از حقوق انسانی شان نیز محروم کرده است. برابری انسان‌ها را حتی در شکل حقوقی آن به رسمیت نمی‌شناسد. زنان یک نمونه - اند، در ابعادی گسترشده تر، اقلیت‌های مذهبی نمونه‌ای دیگرند در ابعادی کوچکتر. موانعی که این روابنا پدید می‌آورد به تضادهایی می‌انجامد که با مبارزه تode مردم علیه این روابنا شکلی آگاهانه به خود می‌گیرد. هرچه مقاومت این روابنا دربرابر تحولات و تحقق خواستهای تode مردم شدید تر باشد، اشکال ببارزه علیه آن خشن‌تر و تسویه حساب قطعی ترخواهد بود. در ایران نه فقط به علت نقش طبقه کارگر در مبارزه عمومی بلکه به خاطر مبارزه مجازی این طبقه علیه مناسبات سرمایه داری، تسویه حساب با روابنای سیاسی - حقوقی، ایدئولوژیک، رادیکال‌تر، قطعی تر خواهد بود. طبقه کارگر خواهان برانداختن مناسبات کهنه و ارتیاجی سرمایه‌داری در ایران است. روابنای سیاسی موجود پاسدار این مناسبات است، لذا این روابنا در اینجا نیز نقش بازدارنده و ارتیاجی خود را دربرابر تحولات ایفا می‌کند. بنابراین مبارزه طبقه کارگر برای برانداختن نظام سرمایه داری نمی‌تواند به نتیجه‌ای صفحه ۴

به عنوان قدرتی متشكل انقلاب خود را به فرجم‌پیروزمندش برسانند. بورژوازی داخلی و بین‌المللی که با طوفان بنیان کن انقلاب در ایران روبو شده بود، از این نقطه ضعف تode مردم استفاده کرد و برای سرکوب این انقلاب به ارتیاج اسلامی متول شد. در یک چشم‌بهم زدن از مرجعی به نام 'رهبر انقلاب‌امام خمینی ساخته شد و تode مردم نیز که تاکنون در جهل و انقیاد نگاهداشته شده بودند، به علت ناگاهای و زودبادری ناشی از آن، به او اعتماد نمودند. بدین طریق بود که ضد انقلاب اسلامی در برابر انقلاب فرارگرفت. اما ضد انقلاب اسلامی از آن رو می‌توانست در اوج انقلاب مردم ایران، نقش ضدانقلابی خود را ایفا کند که به نام انقلاب به مقابله با انقلاب برخاسته بود. اماکافی بود تا شاه سرنگون شود و توهمات به سرعت فروریزد. انقلاب برای تode مردم، معنایی دیگری جزو ازگونی تمام نظم موجود نداشت، اما 'انقلاب' از نوع اسلامی آن پاسدار نظم موجود و هر آنچه که کهنه و ارتیاجی است از کار در آمده بود. پاسداران نظم موجود در همه جا رودرروی مردم فرارگرفتند و مانع تحول شدند. تode های کارگر و زحمتکشی کمدر جریان انقلاب تجربه‌ها آموخته و به سرعت آگاه می‌شند: اعتماد خود را نسبت به رژیم ازدست می‌دادند و بهمن وار از آن جدا می‌شوند. نارضایتی و اعتراض علیه و مبارزه مستقیم مدام گسترشده تر می‌شود. شور انقلاب هنوز فروکش نکرده بود که بحران سیاسی جدیدی شکل گرفت. این احتمال بیش از پیش تقویت می‌شود که تode مردم برای نجات انقلاب، به انقلاب وقیامی دیگر روی آورند. رژیم جمهوری اسلامی که حکومت شان از جانب تode مردم مورد جدا می‌شوند. نارضایتی و اعتراض علیه و مبارزه مستقیم مدام گسترشده تر می‌شود. کشور ایران حی و حاضر در مقابل ماست. رضاخان با کدام مشروعیت و اعتبار ۲۰ سال بر مردم حکومت کرد؟ مشروعیت او البته لوله سؤال قرار گرفته و با بحران‌های سیاسی جدی روبرو شده اند. تاریخ سالهای اخیر ایران حی و حاضر در مقابله این رژیم را نشان از جانب تode مردم مورد انتقاد است. که بحران‌های جدی روبرو شوند. اماهیین رژیم‌ها تنها در مقاطع تاریخی معنیست که حکومت شان از جانب تode مردم مورد سؤال قرار گرفته و با بحران‌های سیاسی جدی روبرو شده اند. تاریخ سالهای اخیر ایران حی و حاضر در مقابل ماست. رضاخان با کدام مشروعیت و اعتبار ۲۰ سال تفتش بود. مگر پسر رضا خان که بخلاف خواست وارد اکثریت مردم ایران و با یک کودتای امریکایی - انگلیسی قدرت را به دست گرفت، مشروعیتی داشت که یک ربع قرن برایران حکومت کرد؟ اما همین رژیم، اگر بحران کم دامنه قبل از رفرم را به حساب نیاوریم، تنها در نخستین سالهای نیمه دوم دهه ۵۰ قدرت اش از سوی تode مردم مورد سؤال قرار گرفت و با یک بحران سیاسی عمیق روبرو شد که به سرنگونی اش انجامید. جمهوری اسلامی نمونه دیگری است. این رژیم یک بار اندکی پس از استقرارش در ایران، در سالهای ۶۰-۵۹ با یک بحران سیاسی جدی روبرو شد. این بحران دلائل مشخصی داشت. تode مردم ایران زیر فشار نیازهای معین اجتماعی که منطبق با مطالبات و خواستهای آنها بود، علیه رژیم شاه به انقلاب و قیام روى آورده بودند. امادیکاتاتوری عربیان سالهای متعددی مانع از آن شده بود که تode های کارگر و زحمتکش مردم، به منافع خود آگاه گردند، دوست و دشمن خود را بدستی بشناسند و

بحران عمیق‌تر از آن است که می‌پندارد

جز حمایت از برنامه او در چنته نداشته وندارند. بحران موجود نیازمند راه حلی انقلابی توسط قدرتی انقلابی است. اما از آنجایی که هنوز طبقه کارگر در موقعیتی نیست که قدرت را قبضه کند و بحران را به شیوه ای انقلابی حل کند، بحران قدرت به صورت یک مسئله لایحل بر جای مانده و در عین حال این امکان را به رژیم وجود دارد. های آن داده است، که با وجود این بحران به حیات خود ادامه دهند و در همان حال به ناتوانی خود اعتراف کنند.

بیانیه جبهه مشارکت، سرانجام پس از بر شمردن بحران‌های متعدد رژیم و موانع "اصلاحات" نتیجه می‌گیرد که "با ادامه وضع موجود تداوم و پیشرفت امور اصلاحات منطقاً متصور نیست" گویا که تاکنون چیزی به نام "اصلاحات وجود داشته که حالاتداوم و پیشرفت" آن ممکن نیست. معضل امادکام است؟ بیانیه پاسخ می‌دهد "مسئله اصلی ما کماکان عدم انعطاف ساختار سیاسی است". پس ازه سال ادعای اصلاحات، حالابه زبان دیپلماتیک می‌گویند در جمهوری اسلامی امکان اصلاحات نیست. "ساختار سیاسی" انعطاف ناپذیر است. گویی که خود درایجاد این ساختار سهیم نبوده و از چند چوچوش بی خبر بوده‌اند! اما بعد چه؟ اکنون "زمان آن رسیده که جنبش اصلاحی در خط مشی و تاکتیک های خود تغییرات اساسی ایجاد نماید". یعنی چه کند؟ اولتیماتوم دهد، اتمام‌حاجت کند که اگر "اقتفارگرایان تمکین نکنند"، "چاره ای جز خارج کردن سرمایه اصلاح طلبان از ساختار موجود نخواهد بود". این هم مثل شعار اصلاحات در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، توب توخالیست. کدام اصلاح طلبان؟ اصلاح طلب کیست؟ مجسم نکنید که یکی از این "اصلاح طلبان" مجمع روحانیون است. آن دیگری کارگزاران است که چپ ترین شان آقای مهاجرانی است که در موضع گیری خود شعار مشارکتی ها را برهم زننده وفاق ملی نامید. سومی حزب اسلامی کار و دکه های سیاسی وابسته به آن است که بیشتریه جناح خامنه‌ای گرایش دارند. باقی مانده هم دست کمی از دیگران ندارند. رفتن یا ماندن چندنفری چیزی را تغییر نخواهد داد. این را خودشان بهتر از هر کسی می‌دانند. این یک عوام فریبی دیگر از نوع عوام فریبی امکان اصلاحات با وجود جمهوری اسلامی است. راهنمایی برای جمهوری اسلامی نیست. مبارزه در پایین و کشمکش و شکاف در بالا داده خواهد یافت، تا زمانی که بحران سیاسی به آن مرحله از رشد برسد که توده های کارگر و زحمتکش مردم ایران به انقلاب روی آورند و با اعتراض عمومی سیاسی و قیام مسلحانه، رژیم جمهوری اسلامی را بهمن زباله‌دانی تاریخ بسپارند که رژیم سلطنتی را سپردند و باستقرار یک حکومت شورایی که برای نخستین بار در تاریخ ایران، مردم را بر سرنوشت خویش حاکم خواهد کرد، به مطالبات واهداف عالی انسانی خود جامه عمل پوشند.

آنها برای مقابله با بحرانی که فرارسیده بود، تاکتیک‌های جدیدی را بهمیان کشیدند تا با حک و اصلاح در روبنای سیاسی، نظم اقتصادی - اجتماعی و نظام سیاسی موجود رانجات دهند. اما جناح دیگر برآمده موجود را و تاکتیک های گذشته همچنان تاکید داشت.

سرانجام زیر فشار بحران، خاتمی به مقام ریاست جمهوری دست یافت، نهاین که کاری از پیش ببرد بلکه ناتوانی و شکست این تاکتیک را در برابر بحران به نمایش بگذارد. او از همان آغاز از دو سو تحت فشار بود. همین که می‌خواست نیم گامی به جلو بردارد، توده - های مردمی که طالب نفی نظم موجودند، چند گام به جلو می‌نهادند. اما گویا قرار براین بود که با تاکتیک حک و اصلاح، مبارزه مردم مهار و بحران کنترل شود، لذا خاتمی و جناح موسوم به اصلاح طلب هراسان عقب می‌نشستند. این عقب نشینی که با یاری طلبین از نیرو - های مسلح تحت امر جناح رقیب برای سرکوب مردم انجام می‌گرفت، موقعیت جناح رقیب را تقویت می‌کرد. "اصلاح طلبانی" که از ترس پیشروی توده‌ها مدام ناگزیر به عقب نشینی بودند، بیش از پیش می‌باشند. بیش از خواست جناح دیگر تمکن کنند و میدان را برای تعرضاً بعدی آن هموارتر کنند. این به معنای تشید روزافزون تضاد میان دوجناح، تشید بحران در درون حکومت تا مرحله بروز یک شکاف در دستگاه دولتی بود؛ این خود بیان دیگری از خصلت انقلابی بحران سیاسی موجود و ناتوانی هردو جناح درمهار آن است. جبهه مشارکت بدون این که خود آگاه باشد، در این بیانیه براین خصلت بحران سیاسی موجود تاکید می‌کند و می‌گوید:

"شکاف میان ملت و دولت درحال حاضر به

درون قدرت و حکومت منتقل شده است." و

ادامه می‌دهد که این وضع به ناتوانی هرچه بیشتر رژیم و هر دو جناح آن منجر شده و می شود." ادامه چنین وضعیتی به بی اثر شدن همزممان اصلاحات و گروههای مخالف آن منحر می شود."

همه این واقعیات نشان می‌هند که در ایران بحران قدرت وجود دارد. نه این جناح هیئت حاکمه می‌تواند حکومت کند و نه آن جناح. چرا که پاسخگوی اوضاع نیستند. راه حلی برای معضلات و نیازهای جامعه ندارند. سیاست های هر دو جناح با شکست روبرو شده است. خودشان هم در همین بیانیه به صراحت عنوان می‌کنند که وضعیت موجود را "می توان به زمین گیری سیاسی تشبیه کرد که هیچکدام از طرفین با شرایط موجود امکان پیشروی ندارد." گروههای بورژوازی خارج از حاکمهیت نیز وضع شان بهتر از دستگاه حاکم نیست. آنها در برابر نیاز - های مبرم جامعه و مطالبات توده مردم و جناح موسوم به اصلاح طلب بود و چیزی

بیانجامد، مگر آنکه این طبقه تمام روبنای سیاسی موجود را درهم بشکند و با حذف این مانع به اهداف انقلاب اجتماعی خود جامه عمل پوشد. پس وقتی که این دو جهانی دقتمند مبارزه، روبنای سیاسی موجود را هدف قرار داده اند و این را در جریان مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه نیز دیدیم، با حک و اصلاح این را می‌توان برهنگ این که هنوز سطح مبارزه مردم به آن درجهارتقاء نیافتد است که این روبنای را با انقلاب خود درهم بکوبند، اما همانگونه که بیانیه معترف است، اقدار رژیم، ارگانها و نهادهای آن از هم اکنون مورد سؤال جدی قرار گرفته است. مردم به راحتی قوانین و مقررات حکومت را زیر پا می‌گذارند ولگذ مال می‌کنند. علیه سران رژیم شعار می‌دهند و حکومتیان را به باد مسخره می‌گیرند. ارزش های مقدس آنها را بی مقدار می‌کنند. بیانیه خود در جای دیگر اذعان می‌کند که فروریختن این روبنای در تمام اجزای آن آغاز شده است. در جایی که به بحران هویت و باورهای دینی اشاره دارد، می‌گوید: "درهیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، این نهاد تا بدین حد ناکارآمدی‌ها و بحران‌های موجود به پای روحانیت ثبت نشده است" و "این روند درباره نحوه برخورد با ارزش های اسلامی نیز صادق است که مجموعاً جایگاه دین و معنویت را در جامعه با خطر جدی مواجه کرده است". البته هنوز اول کاراست. ستمی که به ویژه در این چند سال حاکمیت جمهوری اسلامی، دستگاه روحانیت بر مردم ایران اعمال کرده است، و فجایعی که اسلام در این چند سال به بار آورده، آنچنان وحشتناک اند که باید منتظر تسویه حساب قطعی مردم با دستگاه روحانیت و مذهب، در جریان برانداختن حکومت اسلامی بود. می‌توان انتظار آتی خود، همانند انقلاب - های بزرگ جهان در فرانسه و روسیه با این پیماندهای قرون وسطایی برادریکال - ترین شکل ممکن تسویه حساب کنند. روی آوری توده‌های مردم به مبارزه علی و مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه‌ای که در چند سال اخیر مداوماً اعتلاء یافته است و توان با آن ژرفترشدن بحران سیاسی موجود، به تشید تضادهای درونی هیئت حاکمه، ناتوانی وضعیت روزافزون جناح‌های آن، بحران حکومتی و بروز یک شکاف در دستگاه دولتی انجامیده است. در واقع مسئله ازاین قرار است که وقتی از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ وقوع یک رشته شورش های توده‌ای، نخستین نشانه‌های بحران را اشکار ساخت و ناکارآیی شیوه های گذشته برای مقابله با وضع جدید بر ملا گردید، گروهی از میان هیئت حاکمه دریافتند که دیگر نمی‌توان به شیوه گذشته بر مردم حکومت کرد.

بیانیه پایانی نشست مشورتی

بعد دعوت شورای هماهنگی، یکنمشیت مشورتی متشکل از نمایندگان و هیئت‌های نمایندگی گرایشات مختلف "نشست مشترک نیروهای چپ و کمونیست" روزهای ۶ و ۷ زوئیه برگزار شد. در این نشست ابتدانمایندگان گرایشات مختلف طی دو دور بحث، ارزیابی خود از روند حرکت تا کنونی "نشست مشترک" را ارائه دادند و چشم انداز خود را روشن ساختند. سپس بحث برسراین مسئله متمرکز شد که ملزمومات ارتقاء کیفی این اتحاد چیست؟

در این بخش، جلسه پس از بحث و بررسی به این جمع بندی دست یافت که ضروری است برای نشست سوم تدارک سیاسی کافی دیده شود. به طور خاص بر ضرورت تصویب یک پلاتفرم که خطوط سیاسی حرکتمارا در چهار چوب مبانی مورد توافق بیانیه نشست مشترک اول تبیین کند، قطعنامه‌ای که موضع اتحاد را نسبت به چشم انداز تحول اوضاع سیاسی ایران و بورژوازی در کلیت آن روشن سازد، و قطعنامه‌یگری که بهارزیابی جنبش طبقه کارگر ایران و ظایف ما در قبال این جنبش اختصاص داشته باشد، تاکید نمود. اجلاس هم چنین یک آئین نامه به منظور صراحت بخشیدن به ساختار درونی، و انتخاب یک نام برای این اتحاد تاکید کرد. دربخش بعدی، بحث مقدماتی در ارتباط با مضمون پلاتفرم، قطعنامه‌ها و آئین نامه‌ها صورت گرفت و توافق شد که شورای هماهنگی با توجه به نظرات گرایشات مختلف پلاتفرم یا پلاتفرم‌ها، آئین نامه و همچنین قطعنامه تهیه کند. در این ارتباط، گرایشات مختلف نظرات و پیشنهادات خود را نهایتاً تا ۱۵ ماه‌آوت در اختیار شورای هماهنگی برآورد پیشنهاد کند. درین کارکرد پیشنهادات دریافت شده، پلاتفرم و ساختار درونی پیشنهادی و نیز قطعنامه‌یابی حول اوضاع سیاسی ایران و جنبش طبقه کارگر تنظیم، و همراه با طرح‌ها و پیشنهادات رسیده در ماه سپتامبر از طریق بولتن انتشار می‌دهد. بولتن شماره بعد به نقدها، پیشنهادات و موضعی که حول طرح‌های پیشنهادی اتخاذ می‌شود، اختصاص می‌یابد.

نشست مشورتی، در فضای سرشار از تفاهم و رویه همکاری به کار خود پایان داد. شورای هماهنگی نشست مشترک همه رفقایی را که خود را جزیی از این اتحاد می‌دانند و به مباحث و سرنوشت آن علاقمندند صمیمانه بهشکت فعال در مباحث مربوطه فرامی‌خواند و از آنها می‌خواهد نظرات و پیشنهادات خود را تا نیمه اول ماه اوت در اختیار شورای هماهنگی قراردهند و با شرکت در مباحثات مربوطه به غنای آن بیافزایند.

بیانیه حرج دبلیو بوش، زمینه‌ها و تاثیرها

و کشاندن توده‌ها به حمایت از گرایشات بورژوازی و حکومت است. این‌ها البته از صدور بیانیه بوش دچار شعف شدند از آن استقبال نموده و دیگران را به استقبال از آن فراخواندند. این‌ها بیانیه را خواست آزادی خواهان و مردم ایران دانسته و آنرا حمایت بین المللی از مردم ایران تلقی کردند! در این مورد به طور خلاصه باید گفت که همان علل و انگیزه‌هایی که نگرانی امثال آقای بوش و دیگر صاحبان سرمایه اعم از محلی یا بین‌المللی رافراهم ساخته و موجب ترس و وحشت آنها شده است، کارگزاران این‌ها را نیز دچار هراس و نگرانی ساخته است.

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۴، سازمان در اطلاعیه‌ای تحت عنوان «تظاهرات کارگران اقبال بید و اعتراض کارگران دانا سازگستر» از مبارزات و مطالبات این کارگران حمایت کرد.

در این اطلاعیه آمده است که امروز، کارگران کارخانه اقبال بید، در خیابان فرخی دست به تظاهرات زدند و با مسدود کردن این خیابان، خواهان پرداخت حقوق معوقه ۲۶ ماه گذشته خود شدند و در عین حال به تغییر قانون کار به نفع سرمایه داران اعتراض نمودند. اطلاعیه سپس می‌افزاید، در تهران نیز کارگران کارخانه دانا سازگستر در برابر تصمیم ارتجاعی مدیریت این کارخانه که برای تحت فشار قرار داد کارگران به پذیرش قرارداد موقت منع از ورود آنها به کارخانه شده است، به تجمع و اعتراض متولّشند.

در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۵ اطلاعیه‌ای در حمایت از مبارزه کارگران برای جلوگیری از تغییر قانون کار به نفع سرمایه داران و حکومیت اقدامات سرکوبی‌گرانه پلیس علیه کارگران و اقدامات خرابکارانه تشکل‌های واپسی به رژیم در به انحراف کشاندن مبارزات کارگران انتشار یافت.

اطلاعیه می‌گوید در حالی که امروز چندین هزار تن از کارگران به خیابان آمدند تا اعتراض خود را نسبت به سرمایه داران و دولت حامی منافع آنها نشان دهند، تشکل‌های فرمایشی رژیم کوشیدند حرکت اعتراضی کارگران را با شعارهای ارتجاعی- مذهبی در دفاع از رژیم و حمایت از سران مرتعج آن منحرف سازند. پلیس ضد شورش رژیم نیز با شلیک هواپی، پرتاب کاز اشک آور و با قوه به صفو کارگران حمله کرد و تعدادی را مصدوم و گروهی را نیز دستگیر نمود. اطلاعیه در پایان با محکوم کردن اقدامات سرکوبی‌گرانه پلیس و اقدامات خرابکارانه تشکل‌های ارتجاعی دست آوردهای مبارزات کارگران از قانون کار، از یک قانون کار متفرق و اقلایی که مورد تائید و تصویب تشکل‌های مستقل کارگری باشد دفاع می‌کند.

در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۵ اطلاعیه‌ای در حکومیت رژیم و احکام قضایی آن علیه گروههای ملی- مذهبی انتشار یافت. اطلاعیه، حکومیت افراد واپسی به نهضت آزادی و دیگر گروههای ملی- مذهبی و نیز منحل اعلام نمودن سازمان آنها را به همراه تعطیل برخی مطبوعات و اقدامات سرکوبی‌گرانه نیروهای مسلح رژیم علیه توده‌های مردم، شانه دیگری از تشید اختناق و سرکوب هیئت حاکمه می‌داند و سرانجام تیجه می‌گیرد که به رغم این که ماهیت گروههای موسوم به ملی - مذهبی برکسی پوشیده نیست و آنها سازمانهای مدافعان حفظ نظم موجودند وبا مرتعجنی همچون خیینی همکاری نزدیک داشته و نقش مخربی در فریب مردم و توهمند پراکنی به نفع خاتمی واصلاح رژیم ارتجاعی موجود ایفا کرده‌اند، معهدها سازمان ما که مدافعان پیگیر آزادی‌های سیاسی و دشمن آشتبانی ناپذیر جمهوری اسلامی است، مجازات اعضای این سازمان‌ها و انحلال سازمان‌های آنها را توسط دستگاه قضائی رژیم محکوم می‌کند.

در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۵، اطلاعیه دیگری در حمایت از مبارزات و مطالبات کارگران قرقه زیبا و نساجی شماره دو طبرستان انتشار یافت.

در این اطلاعیه آمده است که صبح امروز باردیگر حدود ۱۷۰۰ تن از کارگران نساجی شماره دو طبرستان در مقابل فرمانداری قائم شهر تجمع نمودند، دست به تظاهرات زدند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

در بخش دیگری از این اطلاعیه گفته شده است که حدود ۶۰۰ تن از کارگران قرقه زیبا، از امروز کارخانه را به اشغال در آورده تا نیست به طرح ارتجاعی مدیریت این کارخانه به اخراج گروه کشی از کارگران اعتراض کنند. آنها خواهان الغاء این تصمیم هستند. اطلاعیه سازمان با محکوم کردن تلاش سرمایه داران برای اخراج کارگران از مبارزه و خواست کارگران قرقه زیبا حمایت نموده است. اطلاعیه خواهان توقف اخراج کارگران در تمام کارخانه‌ها شده است. در این اطلاعیه همچنین خواسته شده است که حقوق معوقه کارگران نساجی‌های قائم شهر به فوریت پرداخت شود.

را مبنی بر کوتاه کردن مدت قرارداد از یک سال به یک ماه و هم زمان اخراج ۲۵ کارگر را اعلام نمود، کارگران نسبت به این تصمیم شدیداً اعتراض کرده و خواستار لغو آن شدند . در پاسخ به این اعتراض، مدیریت شرکت سه تن از کارگران معتبر را اخراج کرد. به دنبال این مسئله کارگران دست به اعتساب زدند و خواستار لغو تصمیمات مدیریت و بازگشت به کار فوری سه کارگر اخراجی شدند. سرانجام مدیریت مجبور شد کارگران اخراجی را به سر کار بازگرداند.

پرداخت حقوق و مزایای یک ساله خود و بازگشت به کار شدند.

* اعتصاب کارگران بافنده در کردستان

کارگران بخش بافندگی شرکت نساجی کردستان در شهر سنندج، در اعتراض به تصمیمات ضد کارگری مدیریت، روزهای دهم و یازدهم تیرماه دست به اعتساب زدند. شایان ذکر است که شمار زیادی از کارگران بخش بافندگی قراردادی هستند . مدتی پیش، وقتی که مدیریت شرکت تصمیم خود

خبری از ایوان

* تظاهرات و راهپیمایی مردم قوچان

روز دوشنبه ۳۱ تیر مردم قوچان در اعتراض به نحوه تقسیم استان خراسان دست به تجمع اعتراضی و راهپیمایی زدند. این تظاهرات که مجوز آن به درخواست "شورای اسلامی شهر" از سوی کمیسیون ماده ۱۰ صادر شده بود، از ساعت ۴ بعد از ظهر آغاز گردید. پس از آنکه نماینده قوچان در مجلس ارتقای، پایان این اقدام جمع به سخنرانی پرداخت، پایان این اقدام اعتراضی نیز اعلام گردید . اما توده مردم معتبر که از فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به تنگ آمده‌اند به اعتراض خویش ادامه دادند و در مسیر خیابان آزادی تاپلیس راه و سه راه فتح آباد، مستقلا دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند. اعتراض کنندگان ضمن ایجاد راهبندان، به برخی از تاسیسات و سایل دولتی نیزبا سنگ و چوب حمله کردند و خساراتی به آن وارد ساختند . به اشاره فرماندار و سایر مقامات دولتی که از اقدام اعتراضی مردم بموحشت افتاده بودند، نیروهای سرکوب و ضد شورش به مردم حمله کردند که در اثر آن شمار زیادی از اعتراض کنندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و ۱۱۸ نفر دستگیر و زندانی شدند. در اعتراض به دستگیری اعتراض کنندگان، صبح روز چهارشنبه دوم مرداد ماه دهها نفر از خانواده‌های افراد دستگیر شده در محل فرمانداری دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان شدند. از سوی دیگر شب همان روز بیش از ۱۵۰ نفر از جوانان و سایر افسران مردم قوچان در میدان آزادی مجدداً یک تجمع اعتراضی برپا کردند و با انجام راه پیمایی و تظاهرات، به برخی از تاسیسات دولتی نیز خسارت وارد ساختند. نیروهای ضد شورش به تظاهرکنندگان حمله کرده و دست کم ۵ نفر از آنان را بازداشت کردند. فرماندار قوچان بعداً گفت، در یک بزرگی مشخص شده است که در ۲۳ نقطه شهر، به تاسیسات دولتی آسیب وارد شده است. اقدامات اعتراضی مردم به جان آمده قوچان نیز بار دیگر این حقیقت را به اثبات می‌رساند که، مردم این رژیم را نمی خواهند' از حکومت اسلامی متنفرند و از هر فرصتی برای اعلام این تنفر استفاده می‌کنند.

* تجمع اعتراضی کارگران نساجی

۳۵۰ تن از کارگران نساجی چوخاری ساری، در اعتراض به توقف فعالیت این کارخانه، در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند. این کارگران که بیش از یک سال است بیکارشده و در حالت بلا تکلیفی به سر می‌برند، خواستار

مقاومت کارگران قرقره زیبا در برابر سرمایه داران و دولت آنها

شورای تامین استان برای تهدید کارگران دست به کارشد. جلسه‌ای در کارخانه تشکیل داد و برای کارگران پیغام فرستاد که اگر کارگران دست از تجمع برندارند و از کارخانه بیرون نروند، "با نیروی انتظامی طرف خواهند شد". پاسخ کارگران را یعنی از قول یک کارگر چنین نقل کرد:

"کار کارگر شرف اوست و ما از هیچ کس با کی نداریم". لذا روز دوشنبه نیز کارگران متحد و یکپارچه به تجمع اعتراضی خود در کارخانه ادامه دادند و بر تحقق خواست خود پایی فشردند. از این پس مطبوعات و خبر-گزاریهای رژیم از انتشار هرگونه خبری در مورد ادامه مبارزه کارگران خودداری نمودند. اما تردیدی نیست که با این استقامت، پایداری و مقاومت کارگران قرقره زیبا، آنها سرمایه داران و دولت آنها را به عقب نشینی واخواهند داشت و خواسته‌های خود را به کرسی خواهند نشاند.

از صفحه ۷



اعتراف‌گیری اسلامی

بود دست به تکذیب گفته‌هایش زندن و علیه چنین اعترافاتی موضع‌گرفتند بلکه تا شخصی مانند ابطحی، مشاور حقوقی خاتمی، هم دست به قلمشده و به نکوهش چنین "اطلاع‌رسانی" ای پرداخت. روشن است که افای ابطحی نه به عنوان مدافعان حقوق زندانیان سیاسی که برای تشکر از طیف‌های گوناگونی که از اصلاح طلبان دوم خردادی حمایت کردند و سرنخشان تامشروعه خواهان و اشخاصی مانند داریوش همایون می‌رسد وارد میدان شد و مطلبی با عنوان "اطلاع‌رسانی‌هایی از نوع اعتراضات پورزند" رادر روزنامه ایران مورخ ۷ مرداد ۱۳۸۱ به طبع رساند.

آن چه اما باید در مورد پورزند بدان پای فشرد و قاطعانه محکوم نموداین است که وی را به عنوان یک متهم سیاسی بیش از هشت ماه از انتظار مخفی نگاه داشتند، شکنجه‌اش کردند، مخفیانه بازجویی‌اش نمودند و پنهانی محکمه‌اش کردند و به حبس سه‌گین ۱۱ ساله محکوم شدند. اینها البته همه‌از اجرای لایتی‌زای قضای اسلامی‌اند، قضایی که بارها نشان داده است که چه در زمینه اجتماعی و چه سیاسی نه به دنبال مجرم که در پی قربانی است. این "دادگستری" متعفن هم مانند کلیت رژیم چاره‌ای به جز برچیده شدن در پیش رو ندارد.

کمک‌های مالی رسیده

کانادا	به یاد احمد زیریم	۲۰۰	یورو
	۲۸ مرداد ۱۳۵۱		
هلند	بدون کد	۵۰	یورو

پیش از آن، سه شیفت‌هه مشغول به کاربوده است رد کردند. کارگر آگاه و شجاعی از میان کارگران به خبرنگار ایسنا گفت: "زمانی اینجا طبق گفته مسئولان ۵۰۰ میلیون تومان سوددهی داشته است، هر کس آن سود را برده، امروزباید جوابگوی ضرر کارخانه باشد" نه کارگرانی که همواره کار کرده‌اند. کارگران هدف اصلی سرمایه داران را برملا کردند و گفتند، آنها می‌خواهند کارگرانی را که ۲۰۰ تا ۲۵ سال سابقه کاردارند، به بهانه نوسازی اخراج کنند و به جای آنها کارگران قرارداد موقت را که محروم از هرگونه حق و حقوقی هستند با دستمزد نازل به کار وادارند. در این ضمن مدیر عامل و شورای اسلامی در تلاش بودند که تحت عنوان توافقات جدید، مقاومت کارگران را درهم بشکند و در صفوی آنها شکاف بیاندازند. لذا به رغم این که مدیر عامل کارخانه عصر روز پنجم به اعلام کنند. صباح روز شنبه به روای معمول کارگران عازم محل کارشدند، اما مدیر عامل کارخانه دستور داده بود، درب کارگاه‌ها را ببندند. کارگران که تعدادشان به حدود ۴۵۰ تن بالغ می‌شد، با تجمع کارگران در کارخانه پایان کردند و روز یکشنبه مجدد در کارخانه تجمع نمودند و خواهان الغاء حکم اخراج شدند. مدیر عامل کارخانه اعلام نمود که تضمین نامه بازگشت به کارگران را به اداره کار می‌سپارد و تنها ۲۰۰ تن از کارگران موقتاً طی چند ماه اخراج می‌شوند. اما کارگران که حقه‌های متعدد سرمایه داران و دولت حامی آنها را به خوبی می‌شناسند، اعلام نمودند که هیچ تضمینی نیست که آنها به قول خود عمل کنند.

اعتراف‌گیری اسلامی

و قطع عضو و غیره می‌باشد، بر ضد بشری بودن تمامیت آن مهر تأیید می‌زند. جالب اینجاست که همین فانون که در زیریوغ رژیم جمهوری اسلامی تدوین و تصویب شده و به دنبال خود دارای ملحقاتی از جمله قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹ هم هست! یعنی درواقع قضای رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر قوانینی که خود در رابطه با "محاربان" با حکومت اسلامی وضع کرده از قوانینی در زمینه سرکوب مخالفان که مصوب رژیم سلطنتی است هم استفاده می‌کند. مردم ایران و مبارزان ضد رژیم سلطنتی خوب به خاطردارند که سرتگاه پلیس سیاسی شاه که سواک نام داشت هراز چند گاهی برخی از زندانیان سیاسی را وادار به نمایش توبه و اعتراض می‌کرد و آنچه را که شکنجه گرانش بدانان دیگته می‌کردند در تلویزیون پخش می‌کرد یا در روزنامه‌ها منعکس می‌نمود. پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی همان نمایش‌های مشنیز کننده دوباره بر صفحه‌های تلویزیون و روزنامه‌هان نقش بستند و هراز چند گاهی چند "تواب" را وادار به اعتراض می‌کردند. ددمنشی جلادانی مانند لا جوردی معذوم و شکنجه‌گرانی مانند حسین شریعتمداری به حدی بود که بهاین نمایشها هم بسنه نمی‌کردند و از همین "توابین" خواستند که به ویژه در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ تیر خلاص را بر سر هم بندان خود شلیک کنند.

بسیار بودند کسانی که در دورانی که رژیم اسلامی مشغول سرکوب و کشتار فعالان سیاسی چپ و کمونیست بود لب فرو بستند و در واقع با سکوت خود بر آنها مهر تأیید کوبیدند. اما رژیم جمهوری اسلامی مانند هر رژیم خودکامه و مستبد دیگری، مدام که به حیات ننگین خود دادمه می‌دهد بر دامنه انسداد و تصلب خود می‌افزاید و در نتیجه دایما در پی قربانیان جدیدی است. اکنون کار به جایی رسیده است که حتا کسانی که برحفظ و ادامه نظم موجود تاکید می‌کنند و فقط انتقاداتی را به رژیم روا می‌دارند، یا خواهان اصلاحات نیم بندی در چارچوب جمهوری اسلامی اند در تور سرکوب و ددمنشی رژیم گرفتار می‌آیند و به جلس و شکنجه و آزار محکوم می‌شوند. پس از برنامه‌های "هویت" که مزدوران ولی فقیه برای صدا و سیمای اسلام ساختند، پس از شوی تلویزیونی که در آن افشاری را

صفحه ۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No.386 aug 2002

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه‌های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

K.A.R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I.S.F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واگز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۱۹۶۷
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲